

## « ه » مختفی تبدیل « ه » به گ

در آخر عده‌ای از کلمات پارسی ( ه ) موجود است که آنرا ( ه ) غیر ملفوظ یا مختفی مینامند و بدین جهت مختفی خوانده شده که تلفظ نمی‌آید :  
خانه ، دسته .

( ه ) مختفی گاهی برای بیان معنی خاصی از قبیل : تشبیه ، نسبت ، آلت و امثال آن آمده مانند کلمات : گوشه ، ناله ، ماله .

و زمانی صرفاً برای بیان حرکت ماقبل است مانند : شانه ، که ، چه و امثال آنها .

اسامیکه دارای ( ه ) مختفی هستند عموماً در قدیم مختوم به و گ ، یا و ک ، بوده‌اند ( ۱ ) و بهمین جهت در تعریب اعراب آنرا باصل برگردانیده معرب ساخته‌اند، جائیکه ( ه ) بدل از و گ ، بوده ( ج ) و موردیکه بدل از و ک ، باشد و ق ، آورده‌اند: بنفسج - خندق

از نظر قواعد دستوری اسامیکه دارای ( ه ) مختفی باشند دارای مقررات ذیل است :

۱ - در نسبت و جمع به الف و نون ( ه ) به گ بدل میشود : تشنگان گرسنگی ، بنا بر این باید مواظب بود که در نوشتن این قبیل کلمات ( ه ) بکار برده نشود و باین صورت نویسیم : تشنه گان - گرسنه گی

۲ - در حالت اضافه یا جائیکه این کلمات موصوف واقع میشوند در تلفظ ( ه ) به ( ی ) بدل میگردد و برای بیان این تلفظ ( ی ) بصورت کوچکی شبیه بهمزه بالای ( ه ) نوشته میشود : خانه من - کاشانه بزرگ

( ۱ ) و هنوز در پاره‌ای کلمات صورت اصل باقی مانده مانند کلمه : دستک ،

۳- موقعی که این کلمات را بحروف یا ضمائر می‌چسبانیم در کتابت و تلفظ باید همزه‌ای بصورت الف مابین آنها قرار دهیم: کرده‌ایم - خفته‌ای - نامه‌اش ...

۴- در اتصال به (ها) جمع اگر بجمع کلمه دیگری مشتبه نشود (ه) مختفی را حذف می‌کنیم: پرده‌ها - لانه‌ها، و اگر موجب اشتباهی شود آنرا بحال خود باقی می‌گذاریم: زمینه‌ها - دهنه‌ها که در صورت حذف بجمع زمین و دهن مشتبه خواهد شد

تذکر - چون در فارسی (ة) گرد نموده کلماتیکه از عربی گرفته شده اند و دارای (ة) گرد هستند در جائیکه لازم بوده (ت) تلفظ شود در رسم الخط آنرا بصورت (ت) کشیده نوشته و تلفظ کرده‌اند: سیادت، اصالت و اگر مواردی پیدا شده که نیباید (ت) به تلفظ در آید آنرا بصورت (ه) مختفی نوشته و تلفظ کرده‌اند و این در مصادر مخصوص بمواردیست که خواسته‌اند کلمه ایرابدو صورت برای بیان دو معنی داشته باشند مانند کلمات زیر:

اقامت (توقف) - اقامه (در نماز و غیره) امارت (امیری) اماره (اشاره و علامت) - فرقت (دوری) - فرقه (دسته و جمعیت) - نشات (از نو برخاستن) - نشاء (کیف).

و از این قبیل کلمات که میتوان بوفور در زبان پارسی پیدا کرد و از مداخلات پارسیان است

در هر حال هر جا در کلمه‌ای (ة) گرد عربی بصورت (ه) مختفی تلفظ شود لازم است قواعد (ه) مختفی را عموماً در آن رعایت نمود زیرا در هر مورد بعقیده اینجانب باید کلماتیکه از خارج می‌گیریم تابع مقررات و قواعد زبان پارسی باشد مگر در جاهائیکه رویه از گذشته بر آن جاری شده و کلمات عربی با صورت‌های خاصی بزبان ما تحمیل شده‌اند و باید بمروور خود را از قید رعایت آنها رهائی دهیم ... ط .